

## واگرایی ساحت آیات قرآن از ساحات علوم تجربی

زهرا اخوان صراف \*

DOI: 10.22096/RC.2021.243661

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۱/۱۸ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۷]

### چکیده

یکی از مسائل مهم و پرچالش پیشروی مسلمان در جهان جدید، نسبت میان علوم تجربی و متون دینی و به ویژه قرآن است. مطالعات قرآن پژوهی در رابطه قرآن با علوم تجربی دو دسته محصول ایجابی و سلبی دارد. دسته اول به اعجاز علمی قرآن مربوط است. هسته مرکزی تئوری‌های اعجاز علمی این است که قرآن دستاوردهای دانش‌های تجربی را پیشگویی کرده یا این که توسط این دانش‌ها تأیید می‌شود. مطالب دسته دوم که به تعارضات میان مطالب قرآنی با آورده‌های علوم تجربی مربوط است، بر محور وجود گزاره‌های خلاف علم در این کتاب استوار است. پژوهش حاضر که با "توجهات منطقی و معرفت‌شناختی"، در نسبت میان قرآن و علم تجربی، ادعاهای تعارض و اعجاز را هم‌زمان مدنظر دارد، پس از مروری بر تطور دیدگاه‌ها در رابطه قرآن و علم در دهه‌های اخیر و ماهیت‌شناسی تئوری‌های علوم تجربی، اولاً نشان می‌دهد در صورت تعارض چگونه می‌توان بجای توجیه و تأویل و تصرف در متن مقدس، صحت و دقت مدل‌های علمی را به چالش گرفت و ثانیاً با سنخ‌شناسی گزاره‌های قرآنی، آشکار می‌کند که ساحت بیانات قرآنی - در مقصد، روش‌ها و غایات - بکلی از ساحات مدل‌سازی‌های تجربی جداست و نقیماً و اثباتاً با آنها قیاس‌پذیر نیست تا "اعجاز" یا "تعارض" ادعا شود. پس آیات قرآنی که گزاره‌هایی قطعی و کاملاً غیرناظر به مدل‌سازی‌های علمی است و از افقی بالادستی القا می‌شود، هم‌رتبه و هم‌تراز گزاره‌های مدل‌های علمی نیست تا مؤید یا مخالف آنها بوده باشد و از حیث منطقی و معرفت‌شناختی تنها می‌شود با گزاره‌های وحیانی یا عقلانی دیگری تأیید یا درگیر شود.

**واژگان کلیدی:** متن مقدس؛ اعجاز علمی؛ تعارض قرآن با علم؛ مدل‌سازی علوم تجربی.



## مقدمه

این پژوهش برآنست تا با ارائه دو اندیشه در زمینه نسبت قرآن با علم تجربی، گریز معرفت‌شناختی مطالب قرآنی از مواجهه با دستاوردهای علوم تجربی را - نفیاً و اثباتاً- نشان دهد. اندیشه نخست آشکار می‌کند که به دو دلیل اصلی در هیچ تعارض ادعایی، مدلول حقیقی آیات قرآنی مقابل واقعیت عینی که یک تئوری علمی از آن به شکل جزمی برده بردارد، واقع نخواهد شد. اندیشه دوم که در حال حاضر نگارنده به آن فکر می‌کند، از اصل در قیاس‌پذیری مطالب قرآنی و تئوری‌های علمی تردید می‌کند. خواهد آمد که افادات قرآنی از افق و به غایتی القا می‌شوند که اساساً با افق عرضه تئوری‌های علمی متفاوت است و لذا این دو دسته مطلب هم‌افق نیستند و در ساحت مشترکی که آن دو را قیاس‌پذیر کند قرار ندارند و لذا مواجهه‌ای واقع نخواهد شد تا مؤید یا معارض یکدیگر قرار گیرند. این دو اندیشه که منظری معرفت‌شناسانه دارند، افزون بر این که افق‌های نو پیش روی مطالعات قرآنی اعجاز‌منظر و کاربردی می‌کشایند، از موضعی بسیار ریشه‌ای‌تر، مواجهه با شبهات حول این کتاب مقدس را میسر می‌نمایند و در همه عرصه‌ها این امکان را برای قرآن باوران فراهم می‌کنند که به جای استقرار مدام در جایگاه پاسخگویی و تلاش‌های پرتکلف مستمر برای ارائه تفاسیر سازگار با علم تجربی، با توجه به نبود ناقض نقض ناشده‌ای برای آیات الهی همچنان بتوانند به باور خود در خصوص صدق و حقانیت این کتاب تداوم ببخشند؛ ضمن آنکه مکانیزم‌های تحقیق و تدقیق در آیات الهی برای برداشت‌های ناب‌تر و بازسازی دستگاه تفسیری را - با داشتن حساسیت مثبت به عقلانیت برون دینی - همواره فعال و بالنده نگه‌دارند.

هرچند پیشینه مباحث قرآن‌پژوهی در «نسبت قرآن و علم» از حیث کثرت نوشتجات و وسعت دیدگاه‌ها نسبتاً پربرگ و بار است، اما مروری بر رویکردهای اصلی سنتی و نو در این عرصه، آشکار می‌کند که حساسیت و غایت پژوهش حاضر در نوع خود بدیع است و در تحقیقات تدوین شده پیشین سابقه ندارد. رویکرد سنتی با همه تنوع اقوالش می‌کوشد تا از پذیرش وجود تعارض میان قرآن و علم تن‌زند. رویکرد مدرن نیز با همه تفاوت اندیشه‌های مطرح در آن، هرچند فی‌الجمله ناسازگای متن قرآن با علوم تجربی را منکر نیست اما از راه‌های مختلف از جمله طرح تاریخی بودن قرآن، دوجہانی بودن قرآن و... می‌کوشد ناسازگاری را توجیه و قدسیت این کتاب را به رغم وجود ناسازگاری با علم، حفظ کند.

غزالی اشتمال قرآن بر علوم را مطرح نموده، در کتاب جواهرالقرآن، چگونگی انشعاب علوم از آیات الهی را نشان داده است.<sup>۱</sup> جلال‌الدین سیوطی نیز در کتاب الإیتقان فی علوم القرآن، آیاتی چند از

قرآن می‌آورد تا نشان دهد، در قرآن اشاراتی به همه علوم از جمله دانش پزشکی، هیئت، هندسه و جبر و مقابله و ... می‌باشد.<sup>۱</sup> سید جمال‌الدین اسدآبادی انطباق اسلام با علم و ترویج قرآن و اسلام از دانش، و هماهنگی قرآن با علم را مطرح ساخت و بعدها شاگردان و طرفداران او چون شیخ محمد عبده و سید محمد رشید رضا در تفسیر خود در این مسیر گام‌هایی برداشتند. طنطاوی در «جواهرالعلوم» و «التاج المرصع» و تفسیر بزرگ «الجواهر» به تفسیر علمی قرآن پرداخته‌است. کتاب «کشف الأسرار النورانية القرآنية، فيما يتعلق بالأجرام السماوية، والأرضية، والحيوانات، و النباتات، و الجواهر المعدنية» از محمد بن احمد اسکندرانی نیز از مهم‌ترین کتب تفسیر علمی قرآن است.<sup>۲</sup> همچنین سید احمدخان هندی در کتاب «الهدایة و العرفان فی تفسیر القرآن بالقرآن» تلاش برای توصیف علمی آیات قرآن نمود. محمدعلی رضایی اصفهانی طی کتب و مقالات متعددی چون «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن»، «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» و نیز در کتاب «نقد نقد قرآن» در جهت سازگار خواندن آیات قرآن و یافته‌های دانش‌های تجربی تلاش نموده‌است. جعفر نکونام، قرآن‌پژوه معاصر، طی مقالاتی چون «قرآن؛ کتاب موعظه»، «شبهه بطلان خلاف علم در قرآن» قرآن را پیامی برای مخاطبان عصر نزول در حجاز دانسته، که برای بیان مواعظ خود از قالب و بیان واقعیاتی کمک می‌گیرد که برای آن مردم مفهوم بوده و به آن باور داشته‌اند.<sup>۳</sup> وی با نمونه‌آوری مواردی چون کارکرد شیطان‌رانی شهاب‌سنگ‌ها، ماجرای محبوس بودن قوم یاجوج و مأجوج در پشت سدی تا قیامت، غروب خورشید به شکل فروافتادن در یک چشمه گل‌آلود و ... وجود مطالب مخالف علم در این کتاب را به تاریخی بودن این متن مربوط می‌کند.<sup>۴</sup> او علیرغم این باور، معتقد است می‌توان از آن آیات - با روش‌های علمی مثل تقییح مناط و الغای خصوصیت و مثلاً با روش تفسیر سه‌لایه‌ای - پیام‌های عام را استخراج و بر شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی دیگری تطبیق کرد و لذا این کتاب را حتی در زمان حاضر مفید می‌داند. آرش نراقی، دین‌پژوه هم‌روزگار، در کتاب «حدیث حاضر و غایب» متن وحیانی را پیامی جاوید با مخاطبان ابدی می‌داند اما برای آن، دو "جهان" قائل است که وجود مطالبی در قرآن - که با علوم روزگارهای بعدی از جمله روزگار ما هم‌خوان نباشد - را پژوهاک فرهنگ زمانه و شرایط زمان و مکان در این پیام می‌داند.<sup>۵</sup> از نظر او این مسائل در جهان اول متن

۱. نک: سیوطی، ۱۴۲۱: ۲/ ۲۶۲.

۲. نک: ذهبی، بی‌تا: ۲/ ۴۹۷.

۳. نک: قرآن؛ کتاب موعظه، ۹۸/۶/۱، قابل دسترسی در:

<http://nekoanam.parsiblog.com/Archive/%d8%a7%d8%b9%d8%ac%d8%a7%d8%b2+%d9%82%d8%b1%d8%a2%d9%86/>.

۴. نک: شبهه بطلان خلاف علم در قرآن، ۹۸/۶/۱، قابل دسترسی در:

<http://nekoanam.parsiblog.com/Posts/426>.

۵. نک: نراقی، ۱۳۹۳: ۱۵۱.

وجود دارد که باید از آن عبور کرد اما جهان دوم متن که تصویرگر پیام اصلی است، فراتر از آن ظرف و قالب است و لذا عدم صدق را به آن راهی نیست. در آن جهان این متن، هرچه هست یکسره راست و درست و همیشگی است.<sup>۱</sup>

نگارنده نیز ضمن مقاله مفصل منتشرشده‌ای در نسبت میان قرآن و علم، بر این است که اعجاز علمی قرآن به معنای آن که قرآن پیش‌تر از علوم زمانه، مطالب علمی را به مردم برساند و بفهماند، با توجه به ویژگی‌های این کتاب، نه امکان دارد و نه واقع شده است. در عین حال قرآن کریم به گونه‌ای است که نسبت به مسلمات علمی همه عصرها منعطف است و هرگز با آنها نقض نمی‌شود. یعنی در هر زمان نسبت به هر آیه حتماً فهمی وجود دارد که معارض با مسلمات علمی نباشد. از طرف دیگر یک یافته علمی عصری ممکن است از آیه‌ای از قرآن نیز استنباط شود. از این خاصیت ممکن است با عنوان شگفتی‌های علمی قرآن کریم یا اعجاز علمی قرآن یاد شود.<sup>۲</sup> ملاحظه می‌شود که از وجوه مشترک این دیدگاه‌ها این است که افادات قرآنی با داده‌های علمی مقایسه کردنی هستند و به هر حال می‌توان یکی را سنجه دیگری قرار داد یا به مؤید یا معارض بودن یکی نسبت به دیگری حکم کرد پس همه این رویکردها بر پیش‌فرض قیاس‌پذیری قرآن و علم مبتنی است؛ چیزی که نوشتار حاضر در آن تردید القا می‌کند و لذا از این حیث با قاطبه تحقیقات پیش از خود حتی بازتقریری که نگارنده از اعجاز علمی قرآن ارائه کرده است، تفاوت دارد.

گزارش این پژوهش ضمن نوشتاری با مقدمه، خاتمه و نتیجه‌گیری و بدنه‌ای شامل طرح دو اندیشه انجام می‌شود. در ارائه اندیشه نخست پس از بیان تفصیلی دو مقدمه از یک سو - با تحلیل تفصیلی بعضی نمونه‌های متکی به آخرین دیدگاه‌های علمی - جزمی نبودن دستاورد دانش‌های تجربی و از سوی دیگر قطعی نبودن برداشت‌های قرآنی، آشکار و از آنجا ابطال‌ناپذیری مطالب قرآنی با علوم تجربی نتیجه می‌شود. پس از آن، اندیشه دوم که غرض اصلی پژوهش است، ضمن بررسی هم‌سنخ نبودن این داده‌ها، روش‌ها، غایات و نتایج این دو ساحت با بررسی بعضی آیات، نصوص دینی را به غرض آشکار کردن اهداف قرآن می‌کاود و با بررسی تاریخی، نشان می‌دهد شرایط فهم و فرهنگ جامعه نزول، اقتضای نظارت آیات الهی بر تئوری‌های علمی را نداشت. این بررسی‌ها آشکار می‌کند که هرچند در نگاه اول به نظر می‌رسد قرآن کریم و علوم تجربی گاه به عناصر و موضوعات مشترکی پرداخته‌اند، اما به موازات آنکه مطالعات این دو عرصه و مذاقه‌های معرفت‌شناسانه پیش می‌رود، تمایز افق‌های آن دو بیشتر آشکار می‌شود. بنابراین توقع تأییدگری یا انگاره ابطال‌گری هر این دو نسبت به یکدیگر، نادرست و این تحقق معنای "واگرایی" است.

۱. نک: نراقی، ۱۳۹۳: ۱۶۳.

۲. نک: اخوان صراف، ۱۳۹۵: ۲ / ۸۲-۶۵.

### بدنه بحث - گریز معرفت‌شناختی مطالب قرآنی از ابطال و تأیید علوم تجربی

اندیشه‌هایی که در پیشینه بحث از آنها سخن رفت، با وجود اختلافاتی که با هم داشتند، در این وجه مشترک بودند که در هر یک از آنها قرآن و علم مقابل هم واقع می‌شدند و نسبت میان آن دو - از منشأیت قرآن برای علوم گرفته تا استقلال تام آن دو از یکدیگر و تا تعارض قرآن با علم - بررسی می‌شد و در موارد تعارض در واقع یک برداشت از قرآن کریم مقابل یکی از داده‌های علوم تجربی قرار گرفته بود. در این نوشتار دو دیدگاه مطرح می‌شود که بنیاد آنها بر تشکیک در امکان و صحت وقوع این مقابله است.

#### ۱- اندیشه نخست- بدیل‌پذیری مدل‌های علمی و تنوع‌پذیری برداشت‌های قرآنی

برای آن که قرآن را غیرمعارض با علم بدانیم لازم نیست در هر زمینه‌ای با تئوری‌هایی که امروزه علمی تلقی می‌شوند، سازگار باشد. مدافعان قرآن کریم می‌توانند:

- با دلیل، مدل علمی دیگری که در زمانی پذیرفته‌شده و امروزه با تقریر ابطال نشده‌ای قابل بازگویی است و نیز برداشت‌های ایشان از اصول و قواعد معتبر تفسیر قرآن سازگار است، برگزینند؛

- یا این که خود، مدل‌های جدیدی پیشنهاد کنند که با مطالب قرآنی سازگار است و چه بسا از آنها الهام بگیرد و آنگاه با گردآوری شواهد، آنها را به مسند اعتبار بنشانند؛

- یا در افق آینده علوم تجربی تئوری‌های موافق برداشت‌های خود از مطالب قرآنی را پیش‌بینی کرده از اتهام مخالفت با علوم تجربی تن زنند؛

- یا در برداشتی از قرآن که معارض با یک مدل علمی است تردید و آن را با برداشت دیگری جایگزین کنند.

به عبارت دیگر مدعیات مشهور علوم تجربی در زمان ما نمی‌توانند به وجه معرفت‌شناختی درستی خود را بر قرآن‌باوران تحمیل و آنها را نسبت به اعتبار مطالب قرآنی در جایگاه پاسخگویی قرار دهند.

علت این امر آنست که آنچه صدق و حقیقت و وحیانی بودن این کتاب را می‌تواند به چالش بکشد، مخالفت مدلول قطعی و همیشگی قرآن کریم با واقعیات ثابت جهان هستی است. اما مخالفت برداشتی خاص از مطلبی در این متن مقدس با یک مدل علمی خاص هرگز چنین بُردی ندارد. چون امکان اعتبار برداشتی قوی‌تر یا امکان سازگاری با مدلی قابل دفاع‌تر، مقابل ابطال‌گری حاصل از مخالفت یک مدل نسبت به یک برداشت خاص می‌ایستد.

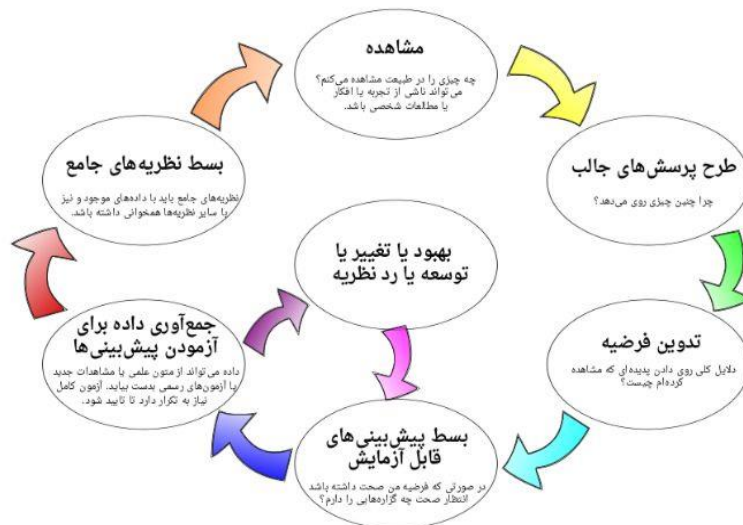
برای مدلل کردن این اندیشه لازم است دو مقدمه علمی آن بررسی شود.

## ۱-۱- مقدمه اول - جزمی نبودن واقع نمونی تئوری های علمی

### ۱-۱-۱- مختصات روش علمی

از نظر دانشمندان تجربی نظریه علمی بهترین توضیح علمی یک پدیده در زمان حال است که تمامی شواهد و فرضیه‌ها، صحت آن را تأیید می‌کنند و اگر شواهد جدیدی در آینده کشف شود که با نظریه علمی همخوانی ندارد، آن نظریه نیاز به تکامل دارد یا بهبود می‌یابد و هیچ‌گاه به‌طور کل، ابطال نمی‌شود. زیرا هم‌اکنون دایره وسیعی از شواهد را توضیح می‌دهد.<sup>۱</sup> قدرت یک نظریه علمی، به تنوع پدیده‌هایی که آن نظریه می‌تواند توضیح دهد مرتبط است؛ که با توانایی آن نظریه در پیش‌بینی آن پدیده‌ها سنجیده می‌شود.

تصویر ذیل که مراحل روش علمی را نشان می‌دهد، آشکار می‌کند ممکن است فرضیه تأیید شود اما نتایج آزمون‌ها از استحکام کافی برخوردار نباشند. در آن صورت می‌توان پیش‌بینی‌های بیشتری را آزمایش کرد تا در صورت درستی آنها فرضیه تقویت شود.



دستاوردهای دانش‌های تجربی بی‌گمان خود با مدعیات همین علوم در زمان‌های گذشته و آینده تفاوت دارند؛ به این معنا که آنچه در روزگار دیگری با همین روش‌ها - یعنی بر اساس "مشاهده"، "مدل‌سازی" و "شاهدآوری برای تثبیت مدل علمی" - دانش خواننده می‌شده را ولو بطور

1. See: «hypothesis theory or law» (2019/08/23). Available at: <https://futurism.com/hypothesis-theory-or-law>.

نسبی و جزئی ابطال می‌کنند و خود به‌همین صورت، توسط آنچه در آینده از راه همین روش‌ها و دانش‌ها، به دست می‌آید، کم اعتبار می‌شوند. پس علوم تجربی مدعی کمال و ابطال‌ناپذیری دستاوردهای خود نیستند. لذا این داده‌ها، ادعای واقع‌نمونی جزمی ندارند تا بتوانند به صورت علمی موجهی، با مطالب قرآنی که از این چنین راه‌هایی به دست نیامده‌اند و چنین محدودیت‌هایی را حمل نمی‌کنند، تعارض کنند.

#### ۱-۱-۲- ماهیت تئوری‌های علمی

گاهی کسانی که از نزدیک با علوم تجربی آشنا نیستند تصور می‌کنند که تئوری‌های علمی حاصل استدلال‌های دقیق و جزمی ریاضی و بنابراین به‌تمامی واقع‌نمون و کامل و خدشه‌ناپذیر هستند. حال آن‌که اینها تنها مدل‌های پیشنهادی برای توضیح بعضی پدیده‌ها هستند که با شواهد تا حدی تأیید شده‌اند و هیچ‌گاه ادعا یا توانایی دست‌یابی به تمام وجوه واقعیت پدیده‌های جهان هستی را ندارند. بیان نظریه‌های جدید در قالب روابط ریاضی هرگز به معنای آن نیست که بشر توانسته‌است از واقعیت وضعیت پدیده‌ها آگاه شود. بلکه مدلی را - که بر اساس مشاهدات خود برای واقعیت و رفتار آن پدیده پیشنهاد کرده - با زبان ریاضی بیان نموده‌است. در آینده نیز بر اساس پاره‌ای مشاهدات - که چه بسا دقیق‌تر باشند - مدل‌های جدیدتری پیشنهاد و آنها را با زبان علمی و ریاضی بیان و با ارائه شواهد آنها را تقویت می‌کند.

غزالی در کتاب کیمیای سعادت، بیان می‌کند که دانشمند علوم طبیعی پدیده‌ها را با طبایع، و دانشمند ستاره‌شناس آنها را با اوضاع ستارگان توجیه می‌کند. او هر این دو دسته را به مورچگان تشبیه می‌کند که بر کاغذی حرکت می‌کنند و می‌بینند که بر کاغذ نقشی پدید می‌آید؛ اولی -طبیعی- سر قلم را می‌بیند و نقاشی را به او نسبت می‌دهد، دومی -که کمی بیشتر می‌بیند- انگشت را می‌بیند و نقاشی را به انگشت نسبت می‌دهد ولی هر دو، بالاتر از آن نمی‌بینند. طبق بیان او، هر یک از طبیعی و منجم، برای هر پدیده‌ای فقط به میزان اسبابی از آن که توان مشاهده آن را دارند توانایی توجیه دارند و نسبت به دیگر اسباب و علت‌های بالاتر از آن ناتوان هستند. مدل‌های موجود از پدیده‌های طبیعی نیز همچون یافته‌های طبیعی و منجم است که آن را به زبان طبایع یا به زبان ستارگان توجیه می‌کنند. هر اندازه مدلی نسبت به اسباب و علت‌های بالاتر داده‌های بیشتری داشته‌باشد می‌تواند توجیه بهتری نسبت به سایر مدل‌ها ارائه دهد ولی از آنجا که سلسله علل و اسباب پدیده‌ها به امور مادی منحصر نیست، از جایی به بعد، مدل‌ها توانایی توجیه و بیان سبب آن پدیده‌ها را ندارند و پس هیچ مدلی از مدل‌های علوم تجربی نمی‌تواند نگاشتی از کل واقعیت و رای پدیده‌ها باشد.

### ۱-۱-۳- لزوم احراز پذیرفتگی یک تئوری نزد قاطبه دانشوران عصر

توجه به این نکته ضروری است که همواره آنچه به عنوان یک دستاورد علمی بر سر زبان‌ها است واقعاً اندیشه‌ای تثبیت شده با شواهد نیست. مدعیان این نظریه‌ها باید بتوانند درستی آنها را به دیگران هم ثابت کنند و اعتماد آنها را جلب کنند و برای این که یک گزاره علمی به امثال بحث قرآن‌پژوهانه حاضر بیاید بایستی دست‌کم دو مشخصه ذیل را دارا باشد:

۱- معلوم باشد امر ادعا شده واقعاً چیزی است که مجموعه‌ای از دانشمندان و آزمون‌های علمی به آن رسیده و امانت‌دارانه به جامعه بشری عرضه شده به طوری که فارغ از جوسازی‌های اعتمادانگیز دستگاه‌های تبلیغاتی حکومت‌های غالب، بتواند اعتماد به آن عقلانی باشد. یعنی مثلاً چنانچه پشتوانه یک مدعای علمی فقط ادعای یک منبع وابسته به حکومتی خاص و عکس و محصولاتش باشد که او منتشر می‌کند و سایر مراکزی که در جهان ادعا می‌شود با آن داده همسو هستند، همه به نحوی دست نشانده همان مصدر باشند، طبعاً اعتماد به علمی بودن مطلب ایجاد نمی‌شود. نظیر آنچه در موضوع فرود بر ماه از جانب سازمان ناسا ادعا شد و بعداً هم از جانب گروه‌های مختلف با شواهد متعدد به شدت به چالش کشیده شد تا جایی که امروزه کمتر کسی ماجرای فرود بشر بر ماه را آنچنان که ادعا شد، جدی می‌گیرد. برخی معتقدند تکنولوژی فرستادن انسان به ماه ناقص بوده یا کمر بند وان آلن، شراره‌های خورشیدی، بادهای خورشیدی، خروج جرم از تاج خورشیدی و پرتوهای کیهانی چنین سفری را غیرممکن می‌کنند.<sup>۱</sup> این مسئله و غرابی که در عکس‌های منتشر شده وجود دارد، چنان است که اهل علم را از باور به سفر به ماه باز می‌دارد. ادعاهایی که تا این پایه مورد تردید جامعه علمی هستند، هرگز نشاید که توان متدینان به ادیان را برای بررسی سازگاری یک ادعای دینی با آن به خود معطوف کند. بازگشت این امر به تعهد و توانایی عرضه‌کنندگان دستاوردهای علوم تجربی به اقتناع عمومی و اطمینان‌سازی به صحت مدعیات آنها است.

۲- معلوم باشد تئوری‌های بدیل و مخالف، آن قدر قوی نیستند که حتی اگر خود در مقابل تئوری مشهور، قابل عرضه نباشد، توانایی از اعتبار انداختن آنها را داشته باشد. به عنوان مثال بسیاری از اشکالات متوجه قرآن کریم در حوزه کیهان‌شناسی به جرمی‌انگاری مدلی برمی‌گردد که زمین را متحرک و کروی می‌داند. در قسمت بعد خواهد آمد که تئوری بدیل این نظریه امروزه طرفداران جدی با دلایل قابل توجه دارد و لذا مادام که همه آن داده‌ها مبتنی بر مدعیات آژانس

1. See: Kaysing, 2002: 7-8.

فضایی ایالات متحده آمریکا - ناسا - است و در مقابل آنها تئوری‌هایی با شواهدی قابل توجه وجود دارد، قرآن باوران بدون دغدغه ناسازگاری و با تلاش‌های تکلف‌آمیز برای توجیه آیات قرآنی، همچنان می‌توانند به اعتقاد خود بر حقانیت قرآن تداوم بخشند.

#### ۱-۱-۴- یک مثال - تقریر جدید مدل زمین تخت و ساکن

بیشترین ادعاهای تعارض قرآن با علوم تجربی در حوزه کیهانی، به شکل و وضعیت کره زمین و نسبت آن با سایر اجرام سماوی و توجیه پدیده‌های طبیعی مربوطه برمی‌گردد. ظاهراً داده‌های کتب مقدس از جمله قرآن، با مدل کیهانی پیشین یعنی هیئت بطلمیوسی سازگارتر است و کیهان‌شناسی جدید، قرآن باوران را برای توجیه آیات قرآنی به زحمت و تکلف انداخته است. توجه به این مسئله که تئوری فعلی، مجرد مدلی است که ادعا می‌شود شواهدی برای آن یافت شده است و این نظریه مبتنی بر معرفتی بالادستی یا عقلانی و ریاضی نیست و چه بسا تقریرهای جدیدتر از مدل قدیم، توانایی همزمان توضیح پدیده‌های طبیعی و سازگاری با قرآن را داشته باشد، این آورده را برای قرآن باوران دارد که مجبور نیستند همراه با مدل‌سازی‌های جدیدتر علمی هر روز توجیه خود را از آیات قرآنی تغییر داده، اسلاف خود را تخطئه کنند.<sup>۱</sup> نظریه کروی و متحرک بودن زمین بر اساس پاره‌ای از مشاهدات عینی پیشنهاد شده است که بعداً با شواهدی از قبیل محو شدن کشتی‌ها در افق با دور شدن آنها، محدود بودن قابلیت مشاهده صورفلکی در عرض‌های بالاتر از ۴۱ درجه شمالی، خورشیدگرفتگی و ماه‌گرفتگی، سفرها و مسیرهای پروازی و ... تأیید شده است. در طول زمان این مدل با مشاهده و تجارب بیشتر متطور و اصلاح شده تا جایی که امروزه تصور می‌شود چنین مدلی بیشترین سازگاری با واقعیت عینی را دارد.

در مدل دیگری که امروزه طرفداران، شواهد و مستندات جدی دارد، زمین ساکن و تخت است. از میان تقریرهای متعدد این مدل، پژوهشگران انجمن زمین‌تخت‌گرایان آمریکا می‌گویند

---

۱. برای آگاهی از میزان فرضی بودن دستاوردهای علمی، توجه به یک نمونه اخیر دیده‌گشا است: در تاریخ ۲۱ فروردین ماه ۱۳۹۸ نیز در فضای رسانه‌ای جهانی، عکس‌هایی منتشر شد که ادعا می‌شود نخستین تصویر واقعی از افق رویداد ابرسیاهچاله مسیر ۸۷ است که توسط تلسکوپ افق رویداد گرفته شده است. در ابتدای انتشار این تصاویر، چنان تداعی شد که گویی این تصویر، واقعی و حاصل نوری است که چندمیلیون سال پیش از لبه‌های سیاهچاله تابیده است و اکنون توسط تلسکوپ‌ها رصد شده است. گفته می‌شود این کار با استفاده از تکنیک VLBI (تداخل سنجی بسیار طولانی پایه)، جمع‌آوری اطلاعات و لینک کردن تلسکوپ‌هایی از چندین قاره و تلاش دوساله ۲۰۰ دانشمند ممکن شده است. پس از بررسی دقیق معلوم می‌شود این پروژه، حاصل یک فرآیند شبیه‌سازی بوده است که با لینک کردن نرم‌افزارهای شبیه‌سازی تلسکوپ - و نه تلسکوپ واقعی - از ۸ نقطه کرده زمین و تشکیل یک تلسکوپ مجازی به قطر کره زمین، داده‌های حاصل از شبیه‌سازی این نرم‌افزارها، رفتاری نشان داده‌اند که با افق رویداد سیاهچاله قابل توجیه است. به عبارت دیگر، نه ابزارها واقعی بوده‌اند و نه تصویر حاصل از آن، تصویری از موجودی در واقع است بلکه صرفاً شبیه‌سازی نرم‌افزارها و تحلیل و توجیه داده‌های حاصل، با فرضیه سیاهچاله‌هاست.

شکل زمین را به دقت و درستی نمی‌دانیم اما آن را به شکل دیسک یا قرص فرض می‌کنیم که مرکز آن قطب یخی - همان است که در مدل رایج، قطب شمال - است و دورتادور آن را نیز کوه‌های یخی - همان قطب جنوب در مدل رایج - فراگرفته‌است. زمین ثابت است و خورشید و ماه - با نور مستقل - مقابل یکدیگر بالای سر این قرص در یک مدار سه بعدی مخروطی شکل در هر شبانه‌روز یک دور می‌چرخند. تغییر شکل ماه به خاطر تحت‌الشعاع قرار گرفتن نور تمامی ماه یا بخشی از آن توسط خورشید - حسب موقعیت آن دو نسبت به همدیگر است. شب و روز در اثر دور شدن خورشید از یک ناحیه و یا نزدیک شدن آن به آن ناحیه در یک دور گردش شبانه‌روزی آن بالای زمین پدید می‌آید. فصل‌ها به واسطه تغییر مدار خورشید از دور به نزدیک و بالعکس در طول یکسال پدید می‌آید. با همین دو حرکت همه اتفاقات ناحیه یخبندان مرکزی و لبه‌ای - یا قطب شمال و جنوب - کاملاً قابل توجیه است. در این مدل، خسوف و کسوف سایه اجرامی ناشناخته بر روی ماه و خورشید است که میان زمین و آن دو در شرایط خاصی حائل می‌شود. این مدل با شواهدی از قبیل صاف بودن خط افق، صاف بودن سطح آب‌های کره زمین، ملاحظه نشدن انحناى زمین در محاسبات نقشه‌برداری، کانال‌کشی و خطوط ریلی و... تأیید می‌شود.<sup>۱</sup>

از سوی دیگر واقعیت آنست که میان مدل کیهانی مشهور امروز با مدل تخت تفاوت‌هایی متافیزیکی وجود دارد که در دیدگاه ما، جایگاه انسان در جهان و هدف خلقت، تفاوت‌های شگرف ایجاد می‌کند. بسیار فرق است بین اینکه تصور شود هستی هدف و آرایشی دارد که انسان محور آن است و خداوند زمین را قرارگاه این انسان قرار داد و برای زیست و عبادت وی صاف و مسطح نمود و آن را آراست و آسمان را چون سقفی بر فراز آن زینت کرد تا به آن نظاره کند و راه خود را بیابد و اوقات عبادتش را تنظیم کند و... و همه این نظام کیهانی پنجره‌ای است که خداوند از آن برای انسان تجلی می‌کند و از این رهگذر - یعنی سیرآفاقی - و به مدد فرآیندهای سلوکی - یعنی سیر انفسی - انسان می‌تواند به درک محضر خداوند نائل آید؛ یا تصور شود در یک لحظه از زمان، در اثر یک تصادف کور، حادثه‌ای موسوم به بیگ‌بنگ اتفاق افتاد و سیارات - که زمین هم یکی از آنهاست - به اطراف پرتاب شدند و این کهکشان که منظومه شمسی جزء آن است، یکی از میلیاردها کهکشانی است که در این عالم وجود دارد و برای کل مجموعه هستی، جرم خردی مانند زمین واجد اهمیتی نیست و به چشم نمی‌آید چه رسد به برخی ساکنان آن یعنی انسان! از انسان که بگذریم، خداوند در این دستگاه ظهوری ندارد و دیگر از پنجره جهان طبیعت به انسان نمی‌تابد

1. See: «Flat Earth – Frequently Asked Questions» (2019/08/23). Available at: [https://wiki.tfes.org/Flat\\_Earth\\_Frequently\\_Asked\\_Questions#How\\_do\\_you\\_explain\\_day\\_2Fnight\\_cycles\\_and\\_seasons.3F](https://wiki.tfes.org/Flat_Earth_Frequently_Asked_Questions#How_do_you_explain_day_2Fnight_cycles_and_seasons.3F). «Flat Earth» (2019/08/23). Available at: [https://en.wikipedia.org/wiki/Flat\\_Earth](https://en.wikipedia.org/wiki/Flat_Earth).

تا آنجا که برخی دانشمندان دوران مدرن نظریه غیبت یا کسوف خداوند را مطرح کردند و کار به جایی رسید که نهایتاً به نظریه مرگ خداوند نزد نیچه منتهی شد.<sup>۱</sup>

مشابه گزینه بدیلی که در مدل کیهانی مطرح شد، مدلی در خلقت انسان و پدیده‌های طبیعی دیگر قابل ارائه است. پس دین‌داران همواره ملزم نیستند تفسیر خود از آیات کتب مقدس را با اظهارات مدل‌های علمی رایج سازگار کنند و در هر مورد مدل‌های بدیل سازگارتری نیز یافت می‌شود. حتی مدل‌هایی که به نظر قدیمی و ابطال‌شده می‌رسند، در تقریرهای جدید به شکل جدی قابل اعتنا و در مقایسه با مدل‌های رایج از حیث معرفت‌شناختی از نصاب اعتبار قابل قبولی برخوردارند.

#### ۱-۲- مقدمه دوم- قطعی نبودن برداشت‌های قرآنی

هیچ‌کدام از دو رویکرد سنتی و نو به قرآن کریم، قطعی بودن برداشت‌های مفسران و قرآن‌فهمان را اقتضا نمی‌کند. رویکرد سنتی چنین اقتضایی ندارد چون در فرآیند تفسیر اجتهادی، مفسر به قطع و جزم نمی‌تواند معنایی را که از آیه می‌فهمد به خداوند نسبت دهد. چون هرچا پای اجتهاد در میان است، اختلاف مبانی و برداشت‌ها نیز مطرح می‌شود. رویکردهای نو نیز چنین اقتضایی ندارد چون با رسمیت دادن به پلورالیزم تفسیری از رهگذر پاره‌ای مبانی مثل "وحدت معنای قرآن ضمن تعدد مرادات آیات الهی نسبت به مخاطبان زمان‌ها و مکان‌های مختلف"<sup>۲</sup>، برداشت‌های متطور در طول زمان با تطورات جهان و انسان و دانش‌های او مادام که از اصول و مبانی تفسیر تبعیت کنند، اعتبار دارند و در حوزه تفسیر درست و نادرست جای خود را به معتبر و نامعتبر می‌دهند و هر برداشت معتبری ممکن است نصاب هدایت را برای فهمندگان آن تمام کند و لذا هیچ برداشتی جزمی نیست پس هرگاه یک برداشت قرآنی با واقعیت خارجی مطابق نبود می‌توان از آن دست کشید. حال اگر یک تئوری علمی انعکاس دهنده یک واقعیت خارجی باشد، در صورت تعارض میان برداشت قرآنی و واقعیت علمی بایست برای اصلاح برداشت کوشید. لذا تا وقتی که برداشت‌های مفسران پیشین در عین اعتبار برای شرایط خودشان، در دیگر شرایط زمانی و مکانی و فرهنگی تخطئه‌پذیر باشد و حتی تفاسیر معصومانه در تفسیر قرآن را بتوان افاداتی مناسب فهم مخاطبان آنها و لذا صرفاً معتبر برای همان مخاطبان دانست، دامان قرآن کریم از تعارض با واقعیت علمی، میرا خواهد بود. با این توجه، بخش عظیمی از ادعاهای تعارض قرآن و علم بدون آنکه تفاسیر قدیم بکلی فاقد اعتبار و تخطئه شوند، مربوط به قرآن کریم نخواهند بود و لذا مساسی به وحیانی بودن و حقانیت این کتاب نخواهند داشت.

1. See: Buber, 2016: 65-92.

۲. نک: اخوان صراف، ۱۳۹۵: ۲ / ۶۵-۸۲.

## نتیجه

تعارض قرآن با علم تنها آنگاه واقع می‌شود که برداشتی قطعاً درست از قرآن با داده‌ای جزماً درست از علوم تجربی به وجه قطعی تعارض کند، چیزی که هرگز واقع نخواهد شد، چون نه قرآن‌باوران ادعای قطعی بودن برداشت‌های خود را دارند نه دانشمندان تجربی مدعی جزمیت تئوری‌های خود هستند. تاریخ تجربه بررسی ادعاهای تعارض قرآن با علم در طول تاریخ آشکار می‌کند که همواره یا برداشت معتبرتری از مطلب قرآنی وجود دارد که با داده علمی ناسازگار نیست یا تئوری علمی بدیلی قابل‌گزینش است که با برداشت قرآنی ناهمخوانی ندارد. دقت‌های انجام شده در این مبحث به نحو مشابه، تأییدگری قرآن برای مطالب علمی یا پیشگویی آنها توسط قرآن را نیز زیر سؤال می‌برد.

## ۲- اندیشه دوم - اختلاف ماهوی ساحت قرآن و علم

دیدگاه اصلی که این نوشتار در صدد تقریب آن است، جدایی کلی ساحت بیانات قرآنی - در مقصد، روش‌ها و غایات - از ساحت مدل‌سازی‌های تجربی است. لذا این بیانات با آن مدل‌ها نفیاً و اثباتاً قیاس‌پذیر نیست تا "اعجاز" یا "تعارض" ادعا شود. عنوان حاضر این منظور را ضمن سه گام نشان می‌دهد.

### ۲-۱- هم‌سنخ نبودن گزاره‌های قرآن با گزاره‌های علوم تجربی

#### ۲-۱-۱- نگاهی دوباره به تئوری‌های علوم تجربی

گذشت که تئوری‌های علوم تجربی مدل‌هایی هستند که شواهدی به نفع درستی آنها اقامه شده است. زبان حال این دانش‌ها این است:

اینطور نیست که ما از افقی رفیع‌تر، به واقعیات هستی اشراف داشته باشیم. نسبت به هر پدیده‌ای در حدی که مشاهده کرده‌ایم مدل و فرضیه‌ای پیشنهاد می‌کنیم و به دنبال تقویت آن توسط شواهد هستیم و چنانچه قرائنی بر خلاف آن اقامه شود، مدل ناموفق قلمداد می‌شود. در سوی مقابل هر اندازه که شواهد بیشتر مدل را تقویت کنند نظریه‌ای که شکل می‌گیرد قوی‌تر خواهد بود.

پس این دانش‌ها به دنبال دست‌یابی به واقعیات‌های جهان هستی از روی تجربه و مشاهده همراه با استقراء و شاهدآوری هستند. طبعاً نتیجه جزمی نخواهد بود اما چه بسا گزاره‌های پذیرفته‌شده علمی در هر زمان نسبت به بدیل‌های خود تبیین بهتری از واقعیت به دست دهند.

نمونه‌هایی از گزاره‌های این دانش‌ها اینطور است: شکل زمین کروی است، کره زمین در هر شبانه روز یک دور حول محور مایل خود می‌چرخد، کره زمین در هر سال در مدار بیضوی مایل خود یک دور به دور خورشید می‌چرخد، آب در ۱۰۰ درجه سانتیگراد به جوش می‌آید، هر انسان در مجموع ۴۶ کروموزوم دارد که هنگام لقاح نصف می‌شود. آشکار است که هر گزاره ماهیت و خصوصیت‌شناسی پدیده‌ای از جهان هستی را نشانه رفته است و دستاورد پیشنهادی و غیر جزمی مطالعه و بررسی انسانی از منظر درونی جهانی طبیعت است.

## ۲-۱-۲- نگاهی به آیات قرآنی حاوی یادکرد پدیده‌های طبیعی

مطالب قرآنی دو محور افتراق مهم با اندیشه‌های علوم تجربی دارد. افادات قرآنی:

۱- گزارش مطالعه و بررسی یک پدیده طبیعی نیست؛ بلکه ورود هر عنصری از جهان طبیعت به آن، در یک ساختار تفهیم، موعظه، ارشاد و هدایتی واقع شده است و مرکز ثقل آن انسان است.

۲- دستاورد نظر کردن در جهان طبیعت از منظر جهان طبیعت نیست؛ بلکه هر اشاره‌ای، القایی از افق بالادستی است که یافت وجدانی و فطرت‌پذیر بودن را برای القا کافی می‌داند و در صدد اثبات با شاهد و دلیل‌آوری نیست. بنابراین از پایگاه جزم و یقین القا می‌شود و گمانه و پیشنهاد - ولو بسیار قوی - نیست، لذا روی سکوی آزمون نمی‌نشیند.

بنابراین هر سخنی از یک پدیده در آن به میان آمده است مستقلاً قابل برداشت نیست چون هدف نیست، بلکه باید در سیاق انسان‌محور این متن مقدس جایگاه‌یابی شود. بررسی آیات متعدد نشان می‌دهد هر مورد در حدی ظرفیت برداشت دارد که به هدف اصلی کلام مربوط است. تحلیل دو نمونه ذیل که در آنها ظاهراً از یک پدیده طبیعی سخن به میان آمده، برای نشان دادن مطلب فوق کفایت است:

۱- در نزاع کروی یا مسطح بودن زمین یا ثابت و متحرک بودن آن که از یک سو زمینه ادعای تعارض قرآن و علم است و از سوی دیگر زمینه ادعای اعجاز قرآن، به آیات متعددی استشهاد می‌شود. حسب تحلیلی که گذشت اگر در این باره مثلاً قرآن کریم گفته است: "وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ" (الغاشیه، ۲۰) نمی‌شود از آن نتیجه گرفت که این کتاب قائل به مسطح بودن زمین است و از اینکه گفته است "فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشَارِقِ وَالْمَغَارِبِ" (المعارج، ۴۰) نمی‌شود نتیجه گرفت که قرآن کریم در باب مسطح و کروی بودن قائل به کروی بودن است. این سخن اساساً از سنخ اظهار نظر درباره مختصات طبیعی مستقل زمین نیست. در مثال آیه سوره غاشیه خداوند می‌گوید آیا نمی‌نگرند که زمین برای آنها چطور هموار شده است؟ حال آنکه می‌توانست تمام زمین مثل

قله‌های کوه‌ها تیز و یا مثل دل دره‌ها گود و پُر شیب باشد و امکان زندگی، سکونت و عبادت برای آن فراهم نباشد. این هم بیان انعام است و جلب توجه بندگان به نعمت‌های الهی تا شاکر و قدرشناس باشند و نعمت را در جهت کارکردش فعال کنند و هم از قدرت باری تعالی در طراحی و تدبیر آن پدیده به شگفت آیند و بر آستان قدرت و عظمت او سر کرنش بسایند. این هموارشدگی ربطی به شکل و وضعیت کلان کره زمین از نگاه بیرونی ندارد. بلکه مدای سخن آنقدر است که به سکونت‌پذیر بودن آن مربوط است و این هم با شکل کروی زمین سازگار است و هم با شکل مسطح آن؛ لذا نسبت به این شکل خنثی و لایشرط است. برای این که منظور القاکننده کلام حاصل شود لازم نیست بشر معتقد شود که زمین مسطح است بلکه کافی است اذعان کند جایی که پا به عرصه زندگی دنیا نهاده‌است قابلیت سکونت و عبادت وجود دارد و بابت این نعمت قدرشناس شود و از این قدرت تدبیرکننده و تناسب دهنده به شگفت آید.

۲- مفاد دو آیه "خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ \* يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَ التَّرَائِبِ" (الطارق، ۷) نیز از جمله مطالبی است که دیدگاه‌ها در مورد آن از تعارض با مسلمات علمی تا قرینه قطعی اعجاز علمی قرآن بودن، گسترده‌است. به نظر نگارنده دقت در کل سوره و غایت آیات آن معین می‌کند که این دو آیه نه در بردارنده مفادی است که مقابل و معارض تئوری‌های علوم تجربی در شاخه رویان‌شناسی واقع شود و نه حاوی معنایی که بتواند اعجاز و پیشگویی در این حوزه قلمداد گردد.

توضیح آنکه اکثر مفسران شیعی، مدعی شده‌اند که منظور خروج ماء دافق از میان پشت مرد و سینه زن یعنی صلب و ترائب است<sup>۱</sup> و در گستره‌ای وسیع‌تر - در همین راستا - بعضی از اهل تسنن این آیه را دلیلی بر اعجاز علمی قرآن دانسته و درباره آن به افراط گرویده‌اند.<sup>۲</sup> تحقیقات علمی اما نشان می‌دهد که دفع و جهندگی تنها به مرد اختصاص داشته، نطفه زن پس از جدایی از تخمدان، به آرامی به لوله رحم وارد می‌شود.<sup>۳</sup> بعضی دیگر سعی کرده‌اند آن را فقط به مرد و خروج منی از بین پشت و دو استخوان ران یا اختصاص دهند؛ اما علم لغت - که سماعی است - چنین تفسیری را نمی‌پذیرد و به هر استخوان نرمی، «ترائب» اطلاق نمی‌کند.

واقعیت این است که این اختلاف نظرها و تعارض پنداری، از عدم توجه به کانتکست اصلی و هدف کلی سوره و ارتباط آیات با یکدیگر ریشه می‌گیرد. هدف و موضوع کلی سوره طارق توجه دادن به بازگشت انسان در آخرت با خروج از قبر و ورود به صحنه قیامت - یا رجع - است.

۱. نک: طبرسی، ۱۳۷۲: ۵ / ۴۷۱؛ قرشی، ۱۳۷۷: ۱۲ / ۱۷۷.

۲. نک: مراغی، بی‌تا: ۳۰ / ۱۱۳.

۳. نک: لانگمن، ۱۳۹۳: ۳۰.

خداوند با عرضه مثالی محسوس و ملموس از رجع دنیوی یعنی تولد انسان و خروج از رحم مادر می خواهد توجه او را به رجع نهایی و خروج از قبر و ورود به صحنه قیامت جلب کند. از آنجاکه هدف اصلی این سوره در آیات ۸ تا ۱۰، تذکر به رجع نهایی و خروج انسان از دنیا و ورود به آخرت بوده، که امری غیر محسوس است، خداوند برای تقریب آن به دو رجع محسوس اشاره کرده است؛ یکی، پیش از آن؛ یعنی در آیات ۵ تا ۷ که همان "یخرج من بین الصلب و الترائب" تولد و خروج از رحم مادر (انفسی) است و دیگری بعد از آن در آیات ۱۱ تا ۱۴ که همان رجع آسمان و زمین (آفاقی) است، تا بدین وسیله، باور آن امر نامحسوس را آسان کند. از آنجا که یکی از معانی ذکر شده برای صلب و ترائب، معنی پشت و جلو است، لذا با توجه به این معنا، جنین و انسان از فضایی که استخوان های جلو و عقب زن می سازد، خارج می شود. با این نگاه، آیه "خلق من ماء دافق" به دلیل جهندگی ماء، مربوط به مرد و اشاره به مرحله رفت و آیه "یخرج من بین الصلب و الترائب" مربوط به زن و اشاره به مرحله بازگشت دارد. در "خلق من ماء دافق" نطفه انسان از طریق آلت (اسپرم) به فضای رحم وارد می شود و در دومی یعنی "یخرج من بین الصلب و الترائب" مرحله خروج از فضای رحم تصویر می شود. این دو جمعاً رفت و برگشتی محسوس را ترسیم می کنند که به مدد آن می توان «انه علی رجعه لقادر» را که امری نامحسوس است، نتیجه گرفت. بدین ترتیب، خداوند در سوره طارق مثالی را از رجع می زند که همیشه پیرامون انسان اتفاق می افتد و منجر به تولد او در این نشئه دنیوی می شود. خروج فرد از رحم، مثالی است برای خروج فرد از قبر. لذا مقصود از صلب و ترائب، کل بدن زن و فضای لازم برای جنین است و بر این اساس فاعل یخرج، "هو" است که به انسان - و نه به ماء دافق یا نطفه - برمی گردد یعنی "یخرج الانسان من بین الصلب و الترائب". بدین ترتیب آیه در مقام تبیین خروج جنین از رحم زن است.

نتیجه اینکه این آیات در این حد و از این منظر نه اعجاز علمی دارد نه تعارض با علم. گویا قرآن کریم فرموده باشد در قیامت انسان از میان خاک نرم و سنگ سخت و ... قبر خارج می شود، همان طور که جنین انسان از میان اعضای سخت و نرم بدن مادر، در فضای میان پشت و جلوی بدن او گذشته به دنیا می آید. این سبک کلام بدان می ماند که مثلاً بگوییم ما در صحنه منی و رمی جمرات، معجزه گون از میان سفید و سیاه و عرب و عجم، راه خیمه های خود را یافتیم. همانطور که در این مثال سفید و سیاه بیانگر مسیر عبور ما به سمت چادر نیست، بلکه اساساً این کلام در صدد بیان نقشه راه نیست؛ "یخرج من بین الصلب و الترائب" هم نظارتی به عوامل شکل گیری جنین و مبدأ و مقصد نطفه ندارد. بنابراین نمی تواند نافی یا مؤید هیچ تئوری علمی در این باره باشد. کما اینکه در مثال

چادرهای حج هم کسی نمی‌تواند نقشه عبور از جمرات به سمت خیام را بیاورد و مخالفت کلام ما را با واقع نشان دهد که در نقشه راه واقعی اثری از سیاه و سفید و عرب و عجم نیست.

## ۲-۲- غایات بیان شده در نصوص دینی برای افادات قرآنی

غایت قرآن کریم پدیدارشناسی نیست. از خود این کتاب مقدس چنین برمی‌آید که این کتاب پیامی الهی برای دستگیری انسان به سوی سعادت دنیوی و اخروی است و در یک کلام آمده است تا دست او را بگیرد و در دست خداوند بگذارد. این آبرهدف از اهداف خردتر بینشی، گرایشی و عملی که ضمن آیات این کتاب بیان شده‌اند، انتزاع می‌شود.

اهداف بینشی عبارتند از: رهایی از غفلت (یس، ۵ و ۶)، به یادآوردن فراموش شده‌ها (التکویر، ۲۷)، ارائه بینش‌های صحیح و ضروری (النحل، ۸۹)، ارائه دلایل بر بینش‌های صحیح (البقره، ۱۸۵)، تبیین حق از باطل (النحل، ۶۴)، تدبیر در آیات قرآن (ص، ۲۹)، تفکر (النحل، ۴۴)، به‌کارگیری عقل و فهم (یوسف، ۲)، آگاهی از یگانگی خدا (ابراهیم، ۵۲)؛

اهداف گرایشی عبارتند از: پند دادن (یونس، ۵۷)، انذار و تبشیر (الأحقاف، ۱۲)، شفا و رحمت (الإسراء، ۸۲)، هدایت‌پذیری و پندپذیری (السجده، ۳)، تقوا (الزمر، ۲۸)؛

اهداف عملی عبارتند از: داوری به‌حق در مسائل مورد اختلاف (النحل، ۶۴)، تثبیت مؤمنان (النحل، ۱۰۲)، برپایی جامعه عادلانه (الحدید، ۲۵)، حاکمیت قوانین خدا (النساء، ۱۰۵)، خروج از ظلمت‌ها به سوی نور و هدایت به صراط مستقیم (المائده، ۱۶)، ورود به رحمت ویژه الهی و هدایت (الإسراء، ۹)

در کلمات معصومان ع، قرآن چاره‌گمراهی و تاریکی حاصل از فتنه‌هاست، از هر گمراهی هدایت می‌بخشد، از هر کوری - و کوردلی - بصیرت می‌دهد، مایه گذر از هر لغزشی است، نوری در هر تاریکی است، از هر هلاکتی نگه‌دارنده است و راهنمای هر تیره‌راه و بیانگر هر فتنه و رساننده از دنیا به آخرت است. کمال دین در قرآن است. قرآن، کشاننده به بهشت و پرهیز دهنده از آتش است.<sup>۱</sup> در کلام حضرت علی ع، قرآن نصیحت‌گری که حیلۀ نمی‌کند، هدایت‌گری که گمراه نمی‌کند و گوینده‌ای که دروغ نمی‌گوید معرفی شده است. و فرموده‌اند کسی با قرآن همنشین نمی‌شود مگر آنکه با زیاده و نقصانی از نزد او می‌رود، زیاده در هدایت و نقصان در گمراهی.<sup>۲</sup> نیز از کلام آن حضرت است که قرآن بهار دل‌ها و شفای سینه‌هاست؛ شفا از بزرگترین مرض‌ها که کفر و نفاق و

۱. نک: کلینی، ۱۴۰۷ / ۲ / ۵۹۹-۶۰۱.

۲. نک: شریف‌رضی، ۱۴۱۴: ۲۵۲.

واگرایی ساحت آیات قرآن از ساحات علوم تجربی / اخوان صراف ۱۳۵

گمراهی و نادانی است. از حضرت‌اش سفارش شده‌است که خدا را به واسطه قرآن بخوابید و با حب قرآن به او توجه کنید.<sup>۱</sup>

ملاحظه می‌شود که این اهداف همگی هدایت‌محور بوده رنگ پدیدارشناسانه ندارند.

## ۲-۳- عدم تناسب وضعیت فرهنگی عصر نزول با سنخ مدل‌سازی‌های علمی

سنت الهی در نبوات، ارسال رسل به لسان قوم است. دلیل این امر آن است که پیامبران بتوانند پیام الهی را برای اقوام‌شان تبیین کنند: "وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رُسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِيَ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ" (ابراهیم-۴) به لسان قوم بودن دو ویژگی اصلی دارد:

۱- پیام الهی در همان نظام نشانه‌شناسی-یا زبان- عرضه می‌شود که برای آن قوم مفهوم است و خود با آن تکلم می‌کنند.

۲- سیاق این پیام آن‌گونه است که با مجموعه بینش‌ها و گرایش‌ها و وضعیت زندگی ایشان سازگار و پیام با توجه به همه اینها برای‌شان مفهوم است.

توجه به عامل دوم و دقت در وضعیت فرهنگی و تاریخی حجاز در عصر نزول آشکار می‌کند که اگر قرآن حامل پیامی ناظر به تئوری‌های علمی بود، به دلیل نبود زمینه در جامعه مخاطب، آن پیام اساساً فهمیده نمی‌شد. پس مثلاً اشارات و کاربردهای معانی کیهانی در این کتاب نمی‌تواند ناظر به تئوری‌های هیئت-حتی- زمان خود باشد. حسب بررسی‌ها زندگی بدوی و قبیله‌ای اعراب اجازه هر نوع فعالیت علمی و تمدنی را از آنها سلب می‌کرد. ارتباط آنها با ملل پیشرفته و تمدن آن روز در حد ارتباطات تجاری محدود خلاصه می‌شد.<sup>۲</sup> در منطقه حجاز که شهرهای مکه، مدینه و طائف قرار داشتند تعداد افراد با سواد و درس خوانده بسیار اندک بود.<sup>۳</sup> علمی که در بین اعراب رایج بود علمی ابتدایی همانند کهنات، قیافه‌شناسی، نسب‌شناسی، ستاره‌شناسی، شعر و خطابه و ... بود که اغلب شفاهی و به صورت تجربی به دست‌آمده بود و البته با خرافات و اوهام نیز همراه بود.<sup>۴</sup> بنابراین با توجه به این شرایط نمی‌توان از علم و آگاهی‌های قابل توجه در میان آنها سخن گفت.<sup>۵</sup> لذا وضعیت علمی و فرهنگی عصر و جامعه نزول اقتضا نمی‌کند که پیام الهی که مخاطبان‌ش مردم چنان جامعه‌ای هستند، ناظر به فرضیه‌ها و مدل‌های علوم تجربی بوده باشد که در جوامع پیش‌رفته‌تری مطرح بوده‌است.

۱. نک: شریف رضی، ۱۴۱۴: ۱۶۴ و ۲۵۲.

۲. نک: طبری، ۱۳۷۵: ۳/۸۰۴.

۳. نک: بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۳۳.

۴. نک: ابن العبری، ۱۳۷۷: ۱۲۶؛ جرجی زیدان، ۱۳۸۶: ۴۰۱ و ۴۰۲ و صفا، ۱۳۸۴: ۴۷ و ۴۸.

۵. نک: «نقدی بر مقاله قرآن و علم» (۹۸/۶/۸)، یدالله حاجی‌زاده. قابل دسترسی در:

<http://www.pajooh.net/fa/index.php?Page=definition&UID=39287>.

## نتیجه

از تدقیق در سنخ گزاره‌های علوم تجربی و افادات قرآنی اختلاف نظری این ساحت‌ها آشکار می‌شود. مراجعه به آیات و روایات، واگرایی غایات قرآن از اهداف علوم تجربی و اختلاف ماهوی آنها را نشان می‌دهد. توجه به شرایط تاریخی و فرهنگی جامعه نزول قرآن، امکان نظارت قرآن به تئوری‌های علمی را به چالش می‌کشد و نهایتاً اختلاف ماهوی ساحت قرآن و علم نتیجه گرفته می‌شود.

## خاتمه و نتیجه‌گیری

۱- در عرصه سنتی قرآن‌پژوهی دیدگاه‌های مختلفی در نسبت قرآن و علم وجود دارد که همه آنها در اندیشه قیاس‌پذیری گزاره‌های قرآنی و علمی شریک هستند، هرچند این دیدگاه‌ها از لبه افراط در پرداختن قرآن به تمامی موضوعات علوم تجربی تا بی‌توجهی کامل به آنها، گسترده‌است. نواندیشی در قرآن‌پژوهی نیز هرچند دیدگاه‌های متعددی در این نسبت عرضه می‌کند، اما همه در این شریک هستند که قرآن ذاتاً قابلیت تأیید علوم تجربی یا تعارض با آنها را واجد است.

۲- اندیشه اول، با واکاوی تئوری‌های دانش‌های تجربی و موشکافی در غایات علوم و روش‌های علمی، بر یک خصوصیت ذاتی این دانش‌ها انگشت می‌گذارد که سرنوشت و فضای گفتمان "نسبت قرآن و علم" را دگرگون می‌کند. این اندیشه با پررنگ کردن این که ماهیت تئوری‌های علمی، مدل‌هایی پیشنهادی هستند که با شواهدی تأیید شده‌اند و لزوماً واقع‌نمون و حکایت‌گر واقعیات هستی نیستند، در جایگاه پاسخگویی یا حتی پیش‌تازی قرآن کریم نسبت به علوم تجربی تردید می‌افکند و یا حتی در جایگاه تأییدگری طرفینی قرآن و علم تشکیک می‌کند. به این معنا که چون علوم تجربی ادعای جزمیت گزاره‌های خود را ندارند، قرآن کریم طبعاً همان‌طور که مؤید همه نظریه‌های علمی همه عصرها نیست یا ممکن است توسط این نظریه‌ها در عصری تأیید نشود، همان‌طور هم مسئول پاسخگویی به شبهاتی که ممکن است از ناحیه این علوم به مطالبش وارد شود یا تعارضاتی که بین گزاره‌های علوم تجربی با گزاره‌های قرآنی تشخیص داده شود، نیست؛ چرا که ناسازگاری با یک مدل حتی به فرض وقوع، مستلزم ناسازگاری با واقعیت خارجی یا معارفی که آن واقعیت را حکایت کند نیست.

در ارائه این دیدگاه بر یکی از مسائل کیهان‌شناختی مورد توجه علوم تجربی یعنی شکل و وضعیت زمین تمرکز شده و آشکار شده که کروی و متحرک بودن زمین تنها مدلی است که با مشاهده پدیده‌های فلکی به ذهن بعضی رسیده‌است و برای درستی آن شواهدی گردآوری

شده است. در سوی مقابل افزون بر اندیشه‌های علمی و فلسفی قدیم، حتی در جهان معاصر مدل زمین تخت، مدلی علمی با شواهدی قوی و طرفداران جدی است. لذا حتی اگر گزاره‌های قرآنی با دستاوردهای علمی قیاس‌پذیر باشد و برداشت‌های تخت بودن زمین از قرآن قابل دفاع باشد، این پدیده فقط مخالفت با یک مدل علمی و موافقت با مدل علمی مطرح دیگر است.

در تقریب این اندیشه، پژوهش به جزئیات قابل تأمل دیگری نیز پرداخته است.

این دیدگاه همچنین، بر آشکار کردن جدایی ذاتی قرآن از برداشت‌های قرآنی و عدم قداست و قطعیت برداشت‌های قرآنی به خلاف قرآن، تمرکز می‌کند و در این راستا مختصه اجتهادی بودن تفسیر قرآن و امکان تعدد مراد باری تعالی برای مخاطبان مختلف را واسطه به رسمیت شناختن برداشت‌های متعدد معتبر قرار می‌دهد و نتیجه می‌گیرد که اگر برداشتی از قرآن با مدل علمی اطمینان‌آوری سازگار نبود این به معنای ناسازگاری قرآن با علم نیست چون راه برای ارائه برداشت‌های دیگر باز است.

۳- در تقریب اندیشه دوم که مقصود این نوشتار است، توجه به دو واقعیت مقدماتی و بررسی آنها، نتیجه مهمی را در باب نسبت قرآن و علم آشکار می‌کند که در حوزه اعجاز‌پژوهی و نیز دفع شبهات اثری شگرف دارد. این دو مقدمه عبارتند از:

#### مقدمه اول

- ادعای علوم تجربی این نیست که از افق بالاتری واقعیات هستی را کشف می‌کند بلکه روش علمی بر مشاهده پدیده‌ها، پیشنهاد مدل‌هایی برای توجیه و تفسیر رفتارهای آنها استوار است. این مدل‌ها در گام‌های اولیه به عنوان فرضیه مطرح می‌شوند اما آنگاه که دانشمندان بتوانند شواهدی برای تأیید آنها گردآورند، تا حدی که جامعه علمی را به اعتبار نسبی آنها و توانائی‌شان برای تفسیر پدیده اقناع کنند، صفت نظریه به خود می‌گیرند. پس در همه آنها ماهیت روش علمی، یعنی مشاهده، ارائه مدل، تجربه و آزمون و نتیجه‌گیری نسبت به حد نزدیک بودن مدل به واقعیت یا مؤید بودن آن با شواهد، ملحوظ است.

- از سوی دیگر هدف از کل این روند شناسایی ماهیت و مختصات پدیده مورد بحث است.

#### مقدمه دوم

- سنخ‌شناسی گزاره‌های قرآنی، آشکار می‌کند که قائل آنها در مورد هیچ پدیده‌ای اظهار نکرده که من بر اساس مشاهده این مدلی را مطرح می‌کنم که با قرائن تأیید می‌شود. فرم القای کلمات

وحی چنان است که گویی الفاکننده به قطع می‌گوید آفرینش من، چنین و سنت‌های آفرینش من، چنان است. یعنی از منظر الفاکننده، مطالب قرآنی گزاره‌هایی قطعی و کاملاً غیرناظر به مدل‌سازی‌های علمی است و از افقی بالادستی الفا می‌شود پس هم‌رتبه و هم‌تراز گزاره‌های مدل‌های علمی نیست تا مؤید یا مخالف آنها بوده‌باشد.

- از سوی دیگر آنگاه که از پدیده‌ای - که احياناً موضوع مطالعات علوم تجربی هم هست - سخن می‌رود هدف شناسایی ماهیت و مختصات آن پدیده نیست. بلکه در سیاق عمومی پیام‌های توصیه و موعظه و هدایت انبیایی، در جهت تفهیم آن بیان‌ها سخن از آنها به میان آمده‌است.

نتیجه این دو مقدمه این دیدگاه را تقویت می‌کند که ساحت بیانات قرآنی - در مقصد، روش‌ها و غایات - بکلی از ساحت مدل‌سازی‌های تجربی جداست. لذا این بیانات با آن مدل‌ها نفیاً و اثباتاً قیاس‌پذیر نیست تا "اعجاز" یا "تعارض" ادعا شود. گزاره‌های یک متن مقدس از حیث منطقی و معرفت‌شناختی تنها می‌شود با گزاره‌های وحیانی یا عقلانی دیگری تأیید یا درگیر شود. گزاره‌های علمی نیز با داده‌هایی هم‌منظر و هم سطح با خود می‌توانند تأیید یا ابطال شوند. پس نه قرآن می‌تواند مبطل علم باشد نه برعکس.

این دیدگاه برای منظر درون‌دینی و منظر برون‌دینی در نسبت میان قرآن و علم افق‌های تراحم و توافق ذیل را تجویز می‌کند:

- از منظر برون‌دینی، مواجهه با مطالب قرآنی از نوع وجدان - یعنی دریافت مطابقت این مطلب با واقعیت علمی - و تصدیق یا عدم وجدان و تکذیب خواهد بود. مثلاً نسبت به آیه "و الی الارض کیف سطحت" ممکن است محقق برون‌دینی بگوید:

○ «نه، زمین برای زندگی هموار نیست پس توخدای دروغگویی هستی»

○ یا «این سخن خدا نیست»

- از منظر درون‌دینی، مواجهه صحیح وجدان و تصدیق یا عدم وجدان و تسلیم است به این معنا که مطلب قرآن‌باور یا مطلب قرآنی را صحیح می‌یابد و تصدیق می‌کند یا صحت آن را نمی‌فهمد اما به خاطر باوری به حقیقت آن، تسلیم می‌شود و فهم آن را به آینده موکول می‌کند.

## کتابنامه

### الف- کتب و مقالات

- قرآن کریم.
- ابن عبری، ابوالفرج یوحنا مارگریغوریوس (۱۳۷۷)، تاریخ مختصر الدول، ترجمه عبدالمحمد آیتی، چاپ اول، تهران: علمی و فرهنگی.
- اخوان صراف، زهرا (۱۳۹۵)، «نقد رویکرد جاری و بازتقریر اعجاز علمی قرآن با ملاحظه علوم تجربی»، پرتو وحی، دوره ۰، شماره ۱، صص ۶۵-۸۲.
- بلاذری، احمد بن یحیی (۱۹۸۸)، فتوح البلدان، چاپ اول، بیروت: دار و مکتبه هلال.
- ذهبی، محمدحسین (بی تا)، التفسیر و المفسرون، بی تا، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- زیدان، جرجی (۱۳۸۶)، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر کلام، چاپ دوازدهم، تهران: امیرکبیر.
- سادلر، توماس (۱۳۹۳)، رویان شناسی پزشکی (لانگمن)، ترجمه مسلم بهادری و عباس شکور، چاپ اول، تهران: ابن سینا.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۱)، الإیتقان فی علوم القرآن، چاپ دوم، بیروت: دار الکتب العربی.
- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴)، نهج البلاغه، تحقیق صبحی صالح، چاپ اول، قم: هجرت.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، چاپ اول، تهران: مجید.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران: ناصر خسرو.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۷۵)، تاریخ الطبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، چاپ پنجم، تهران: اساطیر.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۳۸۰)، کیمیای سعادت، به کوشش حسین خدیو جم، چاپ نهم، تهران: علمی و فرهنگی.
- غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۴۰۶)، جواهر القرآن، محقق: محمد رشید رضا قبانی، چاپ دوم، بیروت: دار احیاء العلوم.
- قرشی، سیدعلی اکبر (۱۳۷۷)، تفسیر احسن الحدیث، چاپ سوم، تهران: بنیاد بعثت.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
- مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا)، تفسیر المراغی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- معرفت، محمدهادی (۱۳۸۱)، علوم قرآنی، چاپ چهارم، قم: مؤسسه تمهید.
- معرفت، محمدهادی (۱۴۲۳)، شبهات ورود حول القرآن الکریم، قم: مؤسسه تمهید.
- نراقی، آرش (۱۳۹۳)، حدیث حاضر و غائب، چاپ دوم، تهران: نگاه معاصر.
- Buber, Martin (2016). *Eclipse of God*, Princeton: Princeton University Press.
- Kaysing, Bill (2002). *We Never Went to the Moon: America's Thirty Billion Dollar Swindle*, United States: Create Space.

## ب- وبسایت‌ها

«شبهه بطلان خلاف علم در قرآن» (۹۸/۶/۱)، جعفر نکونام، پایگاه اطلاع رسانی مدهامتان. قابل دسترسی در: <http://nekoonam.parsiblog.com/Posts/426>.

«قرآن؛ کتاب موعظه» (۹۸/۶/۱)، جعفر نکونام، پایگاه اطلاع رسانی مدهامتان. قابل دسترسی در: <http://nekoonam.parsiblog.com/Archive/%d8%a7%d8%b9%d8%ac%d8%a7%d8%b2+%d9%82%d8%b1%d8%a2%d9%86/>.

«نقدی بر مقاله قرآن و علم» (۹۸/۶/۸)، یدالله حاجی‌زاده، بانک مقالات علوم انسانی و اسلامی پژوه. قابل دسترسی در:

<http://www.pajoohe.net/fa/index.php?Page=definition&UID=39287>.

«hypothesis theory or law» (2019/08/23). Available at: <https://futurism.com/hypothesis-theory-or-law>.

«Flat Earth – Frequently Asked Questions» (2019/08/23). Available at: [https://wiki.tfes.org/Flat\\_Earth\\_\\_Frequently\\_Asked\\_Questions#How\\_do\\_you\\_explain\\_day.2Fnight\\_cycles\\_and\\_seasons.3F](https://wiki.tfes.org/Flat_Earth__Frequently_Asked_Questions#How_do_you_explain_day.2Fnight_cycles_and_seasons.3F).

«Flat Earth» (2019/08/23). Available at: [https://en.wikipedia.org/wiki/Flat\\_Earth](https://en.wikipedia.org/wiki/Flat_Earth).